

---

## رابطه اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران از منزل

---

زهرا زمانی\*، دکتر سوسن کباری\*\*، دکتر حبیب آقابخشی\*\*\*

### چکیده:

فرار دختران یکی از معضلات جهانی است که در سال‌های اخیر در ایران نیز مطرح شده است. از منظر جامعه‌شناختی، فرار دختران تنها یک تصمیم فردی نیست و شرایط اجتماعی خاص می‌تواند سبب ساز وقوع این پدیده باشد. نظر به اینکه اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی با اغلب مسائل مطرح در حوزه اجتماعی در ارتباط قرار می‌گیرد، می‌توان این فرض را معتبر دانست که اعتماد اجتماعی یکی از متغیرهای مؤثر بر فرار دختران است و این سؤال قابل طرح است که آیا بین اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد؟ روش این تحقیق، پیمایش علی-مقایسه‌ای است و از روش مصاحبه نیمه ساخت دار استفاده شده است. این تحقیق در برگرفته دو جامعه آماری است. جامعه آماری دختران فراری که در بازه زمانی اجرای این تحقیق در مراکز بهزیستی تهران نگهداری می‌شوند و جامعه آماری دختران غیر فراری که در بازه زمانی اجرای این تحقیق در خانواده خود زندگی می‌کنند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی خانواده در سه سطح خرد، میانه، کلان و فرار دختران با احتمال ۹۹ درصد رابطه معنادار وجود دارد.

### کلید واژه‌ها

فرار دختران، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی

---

\*. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. zamanyz\_166@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

\*\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران. [www.SID.ir](http://www.SID.ir)

## مقدمه

بر اثر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هفتاد سال اخیر ایران، تغییراتی در ساختار خانواده به وجود آمده که موجب از دست رفتن انسجام و مرکزیت این نهاد شده است. یکی از این تغییرات فرار دختران است. عده زیادی از دختران با میل و اراده خود و به هر دلیل خانه را ترک می‌کنند. عده‌ای از آنان به صورت خود معرف به بهزیستی مراجعه می‌کنند و عده‌ای دیگر در اجتماع رها می‌شوند و سرنوشت نامعلومی در انتظارشان است. دیر زمانی است که متخصصان و کارشناسان در شاخه‌های مختلف علمی به این معضل پرداخته‌اند و برای حل آن می‌کوشند، زیرا این پدیده مشکلات عدیده‌ای برای دختران، خانواده‌ها و جامعه ایجاد کرده است. هرچند پسران نیز به نسبت دختران و شاید بیشتر از آنان خانه را ترک می‌کنند، چون دختران با فرار از خانواده در موقعیت خطرناکی قرار می‌گیرند، این امر حساسیت و واکنش شدید را در پی دارد. دخترانی که خانه را ترک می‌کنند در شرایط موجود جامعه ما و به دلیل نبود حمایت‌های قانونی و انجمن‌های مدنی و ممکن نبودن دستیابی به مکانی امن و یافتن شغل، با مشکلات بی شماری مواجه خواهند شد. نظر به اینکه پرداختن به مسائل اجتماعی و حل آنها از دغدغه‌های بنیادین جامعه‌شناسی است، با اجرای پژوهشی جامعه‌شناختی به مسئله فرار دختران پرداخته‌ایم.

## طرح مسئله

مدتهاست که پدیده فرار دختران به عنوان پدیده‌ای نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی را به خود مشغول کرده و خواسته عموم مردم برای حل این معضل تبدیل به دل‌مشغولی عده کثیری از کارشناسان شاخه‌های مختلف علمی شده است.

نتایج مطالعات و تحقیقات و یافته‌های مطرح شده در اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران (سال ۱۳۸۱) نشان می‌دهد که فقط در تهران سالانه حدود ۱۰۰۰ دختر ۱۳ تا ۲۷ ساله از خانه-هایشان فرار می‌کنند (صمدی راد، ۱۳۸۱). همچنین آمار دیگری به نقل از معاونت پیشگیری نیروی انتظامی نشان می‌دهد که نرخ فرار دختران در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵ براساس گزارش مسئولان، حدود بیست برابر شده است. براساس این آمارها نرخ فرار دختران سیری صعودی طی می‌کند و سن فرار نیز رو به کاهش دارد. این نکته نشان می‌دهد که فرار دختران پدیده‌ای است اجتماعی و تحت تأثیر شرایط و مناسبات نامطلوب اجتماعی ایجاد می‌شود. ما برای اجرای پژوهشی جامعه‌شناختی در این زمینه، اعتماد اجتماعی را که یکی از مهم‌ترین ارکان سرمایه اجتماعی است به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته ایم و به بررسی چگونگی رابطه آن با فرار دختران از منزل پرداخته‌ایم.

فرار دختران به عنوان یک پدیده اجتماعی و ضرورت بررسی رابطه آن با سرمایه اجتماعی خانواده انگیزه اجرای تحقیق حاضر است. هدف تحقیق شناسایی رابطه بین اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران است.

## مبانی نظری

برای بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و شاخص اعتماد اجتماعی به مروری بر آرای پاتنام، فوکویاما و کاکس می‌پردازیم.

از نظر پاتنام اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه خانواده، منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه می‌توان آنها را مشاهده کرد. تأکید عمده وی بر مفهوم «اعتماد» است و به زعم او همین عامل می‌تواند مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی را به هم نزدیک کند و موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد، یکی از مؤلفه‌های با ارزش سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود به طوری که در هر حکومتی هرچه میزان اعتماد بیشتر باشد، به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود (الوانی، سید نقوی، ۱۳۸۱: ۶).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از نظر پاتنام اعتماد است. اعتماد از عناصر ضروری تقویت و حاصل پیش بینی پذیری رفتار دیگران است و در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، نوعی اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیر مستقیم اعتماد توسعه می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۲).

پاتنام در بحث از اعتماد با توجه به شعاع آن، به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی یا اعتماد عمقی و اعتماد سطحی (گسترده) اشاره می‌کند و نوع دوم را که در متون سرمایه اجتماعی، بعضاً اعتماد تعمیم یافته نیز نامیده می‌شود، برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر پاتنام این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌شود» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۶).

پاتنام اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته را ناشی از دو منبع مرتبط، یعنی هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند: «هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می‌شوند؛ چرا که انگیزه‌های عهدشکنی و نیز جو ابهام آمیز و غیرشفاف را کاهش می‌دهند» (پاتنام، ۱۳۸۴: ۳۰۹). لذا پاتنام مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و مدنی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص، به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند. در این مورد، فرانسیس هرروز نیز معتقد است: «اعتماد اجتماعی نمی‌تواند به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی مطرح شود، بلکه می‌تواند نقش واسطه‌ای میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی و تولید

سرمایه اجتماعی را ایفا کند. در واقع عضویت در شبکه‌های اجتماعی را روابط مبتنی بر اعتماد شکل می‌دهد و این مشارکت به تولید سرمایه اجتماعی منجر می‌شود» (هرروز، ۲۰۰۴: ۱۰).

از طرف دیگر، پاتنام وجود اعتماد اجتماعی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی می‌داند و معتقد است، کسانی که به همسپهریان خود اعتماد می‌کنند، بیشتر داوطلب اجرای برخی از کارها می‌شوند، بیشتر صدقه می‌دهند، مشارکت بیشتری در سیاست و سازمان اجتماعی دارند، در مقابل دیدگاه اقلیت بردبارترند و احتمال بیشتری وجود دارد که به حقوق دیگران احترام بگذارند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

پاتنام نوع سومی از اعتماد را مطرح می‌کند و آن را اعتماد به حکومت و نهادهای اجتماعی می‌نامد، این نوع اعتماد در متون سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی نامیده می‌شود و البته پاتنام اعتماد اجتماعی را با اعتماد نهادی متفاوت می‌داند و در بحث از سرمایه اجتماعی کمتر بر آن تأکید دارد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

بنابراین اعتماد اجتماعی از نظر پاتنام، به همان اندازه که یک نگرش شخصی است، یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز هست، قابل ذکر است که بحث پاتنام در خصوص اعتماد تعمیم یافته، محل مناقشه بوده و برخی از محققان، مشارکت مدنی و اجتماعی را برای شکل‌گیری اعتماد تعمیم یافته، کافی نمی‌دانند و از دیدگاه آنها، جامعه‌پذیری اولیه، تربیت فرهنگی و ترتیبات نهادی جامعه نیز عوامل مهمی هستند که می‌توانند با ایجاد نوعی سازوکار خود جوش، اعتمادورزان را به اعتماد کردن بیشتر و بی‌اعتمادان را به بی‌اعتمادی بیشتری سوق دهند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۲۳). از این لحاظ بر خلاف نظر پاتنام، مشارکت در گروه‌های کوچک شهروندی، حتی می‌تواند به کوچک ماندن دامنه اعتماد ختم شود.

فوکویاما با استفاده از مفهوم «شعاع اعتماد»<sup>۱</sup> می‌گوید، همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی‌اند دارای نوعی شعاع اعتماد هستند و به دیگر معنا، حلقه‌ای از افراد در هر گروه وجود دارد که هنجار همکاری در بین آنها حاکم است. اگر سرمایه اجتماعی گروه، آثار خارجی مثبت تولید کند، شعاع اعتماد می‌تواند حتی از خود گروه هم فراتر رود. همچنین ممکن است شعاع اعتماد کوچک‌تر از آن باشد که همه اعضای گروه را شامل شود، کما این که در برخی از سازمان‌های بزرگ، هنجار همکاری تنها در بین رهبران یا کارکنان دائمی گروه تقویت می‌شود. جامعه مدرن را می‌توان همچون مجموعه‌ای از شعاع‌های اعتماد متحدالمرکز با لایه‌های روی هم قرار گرفته تصور کرد. گستره این سلسله‌ها می‌تواند از دوستان و جرگه‌ها تا سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و گروه‌های مذهبی را در بر بگیرد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۲).

فوکویاما با اشاره به این که تمام اشکال گروه‌های فرهنگی- اجتماعی، نظیر قبایل و عشایر، مجامع روستایی، فرقه‌های دینی و غیره، بر هنجارهای مشترک مبتنی هستند و از این هنجارها برای تحقق اهداف مشترک استفاده می‌کنند، معتقد است که بنابر قاعده کلی در متون توسعه، این نوع سرمایه اجتماعی یک امتیاز تلقی نمی‌شود، بلکه از برخی جنبه‌ها در دسر ایجاد می‌کند، زیرا شعاع اعتماد در این گروه‌ها ناچیز است. همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و غالباً آثار خارجی منفی آن را بر افراد بیرونی تحمیل می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۳). مثلاً در بخش‌هایی از چین و در قسمت اعظم امریکای لاتین، سرمایه اجتماعی عمدتاً در مدار خانواده و حلقه نسبتاً تنگی از دوستان جمع می‌شود. برای مردم مشکل است به کسانی اعتماد کنند که بیرون از این حلقه‌های تنگ جای دارند. غریبه‌ها یا غیر خودی‌ها در مقوله‌ای سوای خویشان جای می‌گیرند. هنگامی که کسی مثلاً کارمند می‌شود، معیار نازل تری برای رفتار اخلاقی در نظر می‌گیرد. اتفاقی از این نوع از نظر فرهنگی موجب تقویت انگیزه فساد می‌شود: در جوامعی از این قبیل، کسی که یک مقام دولتی را اشغال می‌کند، خود را محق می‌داند به نیابت خانواده مرتکب دزدی از اموال دولت شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

بر این اساس، فوکویاما با مقایسه کشورهای غربی و کشورهای آسیای جنوب شرقی دو نوع جامعه را از هم متمایز می‌کند: جوامعی که مبتنی بر خانواده‌اند و جوامعی که بر اعتماد متمرکزند. در جوامعی مثل چین، فرانسه، ایتالیا و کره جنوبی خانواده واحد زیربنایی سازمان اقتصادی است. در این جوامع تأسیس شرکت‌هایی که از این چارچوب مشخص خانوادگی فراتر می‌روند، تا حدودی مشکل است و دولت باید در ایجاد شرکت‌ها مداخله و آن را تشویق کند. اما در جوامعی که بر اعتماد متمرکزند (ژاپن، آلمان)، شرکت‌های بزرگی وجود دارد که مبتنی بر خانواده نیستند، روابط کاری آنها بسیار اثربخش و رضایت بخش است و کار می‌تواند در سیر خلاقانه‌تری سازمان یابد. فوکویاما به مفهوم «پیوندهای سست» گرانووتر<sup>۱</sup> اشاره می‌کند و گروه‌های اجتماعی سستی را فاقد این پیوندهای سست می‌داند؛ یعنی وجود افراد کژآیین<sup>۲</sup> در حاشیه شبکه‌های گوناگون جامعه که قادرند بین گروه‌ها حرکت کنند. از گروهی به گروه دیگر بروند، و از این راه نقش حاملان افکار و اطلاعات تازه را ایفا کنند. جوامع سستی غالباً حالت قطعه قطعه دارند و به دیگر معنا مرکب از تعداد زیادی واحدهای اجتماعی یکسان و خودکفا، مثل روستاها و قبایل‌اند. جوامع مدرن، برعکس، از تعداد زیادی گروه‌های اجتماعی که با هم همپوشی دارند، تشکیل شده‌اند. به همین سبب در جوامع مدرن، عضویت در چند گروه و داشتن هویت متکثر امکان پذیر است. در جوامع سستی کمتر به پیوندهای سستی که در بین قطعات تشکیل دهنده آن وجود دارد، اجازه داده می‌شود بین قطعات رابطه محکمی برقرار سازند و بنابراین

<sup>1</sup> Granovetter

<sup>2</sup> Heterodox

اطلاعات، نوآوری، منابع و استعداد‌های انسانی با سهولت کم‌تری انتقال می‌یابد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۷۴). اعتماد اجتماعی جزء اساسی سرمایه اجتماعی است. به اعتقاد فوکویاما، سرمایه اجتماعی قابلیت است که از شیوع اعتماد در یک جامعه یا بخشی از آن برمی‌خیزد و می‌تواند در کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین گروه اجتماعی، یعنی خانواده و نیز در بزرگ‌ترین گروه‌ها، مثل ملت و همه گروه‌های دیگر درونی آن گنجانده شود.

کاکس<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را «نوعی اتصال اجتماعی تارو پود بافت اجتماعی می‌داند و می‌گوید، این سرمایه در برگرفته تعاملات بی شماری است که زندگی شخصی و عمومی ما را شکل می‌دهد. در این تعریف، سرمایه اجتماعی به مثابه علقه‌ها، تعلقات و گره‌هایی است که بافت اجتماعی را استحکام می‌بخشد» (شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۸۵).

کاکس با تکیه بر عامل اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی خاطر نشان می‌سازد که در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و اجتماعات مؤثرتر خواهد بود. در صورتی که بی اعتمادی، پیروی نکردن از قوانین، رفتارهای ضد اجتماعی، جرم، خودکشی، خشونت و سایر مسایل اجتماعی را به همراه خواهد داشت (شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۸۹).

آنچه کاکس اتصال اجتماعی<sup>۲</sup> تعبیر می‌کند، چیزی است که «ما را به هم پیوند می‌دهد و بر حسب هویت‌های جمعی که در آن پرورش یافته و شرکت داشته‌ایم، تعریف می‌شود» به تعبیری می‌توان گفت، هویت‌های جمعی به مثابه طرح و نگاره‌ای است که بر بافت اجتماعی نقش می‌بندد. رسیدن به یک هویت جمعی از عناصر اصلی و ملزومات تشکیل سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. تعلقات اولیه به والدین و اطرافیان با رشد و اجتماعی شدن بیشتر فرد، فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی را ممکن می‌سازد. فرایند همانندسازی با دیگران در اثر ورود به اجتماع، زمانی رخ می‌دهد که تعلق مطمئن، احساس امنیت، اعتماد و همدلی در فرد شکل گرفته باشد تا بتواند آن را به سایر افراد اجتماع تعمیم دهد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۹۰).

## چارچوب نظری

با توجه به موضوع تحقیق و جمع بندی مبانی نظری، از آرای رابرت پاتنام و کاکس تدوین چارچوب نظری متناسب با موضوع و سنجش اعتماد اجتماعی در سطح خرد، میانه و کلان استفاده خواهیم کرد.

<sup>1</sup> Cox

<sup>2</sup> Social glue

کاکس با تکیه بر عامل اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی خاطر نشان می‌سازد که در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و اجتماعات مؤثرتر خواهد بود. در صورتی که بی‌اعتمادی به پیروی نکردن از قوانین، رفتارهای ضداجتماعی، جرم، خودکشی، خشونت و سایر مسایل اجتماعی منجر خواهد شد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۴: ۸۹). این نظر مبنایی است برای فرضیه اصلی تحقیق حاضر که می‌گوید بین اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

پاتنام در بحث از اعتماد به سه نوع اعتماد اشاره دارد که عبارت‌اند از: اعتماد فردی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی. این نظر مبنایی برای سه فرضیه فرعی تحقیق حاضر است.

### فرضیه‌های تحقیق

#### فرضیه اصلی:

بین اعتماد اجتماعی و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی:

بین اعتماد فردی و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

بین اعتماد نهادی و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

بین اعتماد تعمیم یافته و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی

از آنجا که انتخاب روش تحقیق ارتباط نزدیک و مستقیمی با موضوع پژوهش دارد و باید براساس نیاز پژوهش یکی از روش‌های پژوهشی را انتخاب کرد، در این تحقیق از روش پیمایش<sup>۱</sup> علی مقایسه‌ای استفاده شده است. داده‌ها نیز با روش مصاحبه نیمه ساختاری جمع‌آوری شده‌اند. به این معنا که محقق به پاسخگو مراجعه کرده و در جریان مصاحبه با وی، پرسشنامه را شخصاً تکمیل نموده‌است.

### جامعه آماری

در این تحقیق دو جامعه آماری وجود دارد. جامعه آماری گروه مورد مطالعه (گروه اصلی) عبارت است از کلیه دخترانی که منزل‌شان را ترک کرده‌اند و در بازه زمانی اجرای این تحقیق (فروردین- مرداد ۱۳۹۰) در مراکز مداخله با بحران بهزیستی استان تهران نگهداری می‌شوند؛ جامعه آماری گروه

<sup>۱</sup> Survey

مقایسه (دختران غیرفراری) عبارت‌اند از دخترانی که منزل‌شان را ترک نکرده‌اند و در بازه زمانی اجرای تحقیق با خانواده خود زندگی می‌کنند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری غیراحتمالی به شیوه اتفاقی است. برای انتخاب گروه مورد مطالعه (دختران فراری) به مراکز وابسته به بهزیستی مراجعه و با دخترانی که اقدام به ترک منزل کرده‌اند و در زمان مراجعه در آن مراکز اقامت موقت داشتند مصاحبه پرسشنامه به صودت حضوری تکمیل گردید. نظر به اینکه حجم جامعه آماری مشخص نیست و به علت محدودیت زمانی نگارنده در اجرای پژوهش، برآورد حجم نمونه از پیش مشخص نبود و در طی اجرای پژوهش ۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

از آنجا که گروه مقایسه (دختران غیرفراری) باید متناسب و همسان با گروه اصلی باشند، روش انتخاب این گروه نیز نمونه‌گیری غیراحتمالی است. در نهایت با توجه به عوامل سن و پایگاه اقتصادی گروه اصلی، ۵۰ نفر از دخترانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند به عنوان گروه مقایسه انتخاب شدند.

## تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

### تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته: فرار دختران

#### تعریف نظری

طبق تعریف "فرار" نوعی رفتار سازش نایافته است که دختران برای رهایی از مشکلات موجود در خانه یا جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی، آگاهانه خانه را ترک می‌کنند و سریعاً یا بدون واسطه به خانه بر نمی‌گردند (طهرانی زاده؛ رسول زاده طباطبائی و آزاد فلاح، ۱۳۸۴: ۲۰۶)

### تعریف عملیاتی فرار دختران از منزل

در این پژوهش منظور از دختران فراری دخترانی هستند که به هر دلیل اقدام به ترک منزل کرده‌اند، حداقل یک روز از این حادثه گذشته است، و به صورت خود معرف یا از سوی نیروی انتظامی به مراکز بهزیستی مراجعه نموده‌اند و در مراکز مداخله با بحران نگهداری می‌شوند.

## اعتماد اجتماعی خانواده

با مروری بر نظرات موجود درباره اعتماد اجتماعی، به تعاریف مختلف این مفهوم می‌پردازیم:

۱. اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد به سایر اعضای جامعه تعریف کرد، به

گونه‌ای موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آنها شود (امیرکافی، ۱۳۸۰)

(۱۱).



۲. اعتماد به احساس فرد در مورد یک امر خاص و تأیید آن اشاره دارد. پس اعتماد مستلزم نگرش مثبت به فرد یا امری خارجی است. در واقع اعتماد میزان ارزیابی ما از پدیده‌ای است که با آن مواجهیم و همواره مثبت است، چه اگر اعتماد برابر با پذیرش متقابل باشد، این پذیرش مثبت است. اعتماد دارای ابعادی است و باید آنرا یک مقوله اجتماعی تلقی کرد. اعتماد در جریان جامعه پذیری آموخته می‌شود. بنابراین یکی از ابعاد آن، بُعد اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۵)

۳. از نظر پاتنام اعتماد، همکاری میان افراد را تسهیل می‌کند و خود همکاری نیز سبب ایجاد اعتماد می‌شود، اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک کنشگر مستقل است. در جوامع کوچک این پیش‌بینی مبتنی بر اعتماد صمیمانه است، یعنی اعتمادی که بین آشناهای نزدیک وجود دارد. اما در جوامع بزرگ تر، اعتماد غیرشخصی ضرورت می‌یابد. در این گونه جوامع اعتماد از دو منبع، یعنی هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی ناشی می‌شود (شادی طلب و دیگران، ۱۳۸۴)

۴. از نظر فوکویاما اعتماد انتظاری است که از درون جامعه بر می‌خیزد؛ جامعه‌ای که در آن صداقت، رفتار، روحیه تعاون و همکاری بر مبنای هنجارهای مشترک و عمومی شکل گرفته باشد اعتماد را پرورش می‌دهد. این رفتارها به قانون و تنظیمات خاص ارتباطی نیاز ندارند، بلکه وجدان اخلاقی مبنای اعتماد متقابل اعضای گروه است (محمدی، ۱۳۸۴: ۸۶)

در تقسیم بندی کلی، اعتماد اجتماعی به سه بعد تقسیم می‌شود:

- اعتماد فردی: اعتماد شخصی یا فردی براساس میل به اعتماد در روابط بین شخصی سنجیده می‌شود و در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد.

- اعتماد نهادی: برای سنجش این نوع اعتماد معمولاً از چند نهاد نام برده می‌شود و مستقیماً از هر فرد درباره میزان اعتمادش به آنها سؤال می‌شود.

- اعتماد تعمیم یافته: اعتماد عام یا تعمیم یافته را می‌توان داشتن حسن ظن به افراد جامعه، جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای، تعریف کرد. پاتنام اعتماد تعمیم یافته را برای جامعه سودمندتر می‌داند. به نظر وی این نوع اعتماد شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۳۶).

با توجه به تعاریف فوق و جمع بندی آنها، در تحقیق حاضر از تعریف زیر استفاده شده است:

### تعریف نظری:

اعتماد اجتماعی حسن ظن و اطمینانی است که بر پایه صداقت و رفتار فرد در دیگری شکل می‌گیرد و موجب گسترش همکاری و تسهیل آن می‌شود. در این پژوهش منظور از اعتماد، اعتماد شخصی، نهادی و تعمیم یافته است.

### تعریف عملیاتی اعتماد اجتماعی

در این شاخص اعتماد اجتماعی با معرف‌های زیر در سطح خرد، میانه و کلان سنجیده می‌شود.

معرف‌های اعتماد فردی (سطح خرد)

- اعتماد پدر و مادر (نامادری / ناپدری) به فرزندان (فرزند دختر / فرزند پسر)

- اعتماد فرزندان به پدر و مادر (نامادری / ناپدری)

- اعتماد خانواده به اقوام درجه یک مادر یا پدر (نامادری / ناپدری)

- اعتماد خانواده به همسایه‌ها (مجاور یا مستقر در یک آپارتمان)

- اعتماد خانواده به افراد هم محله ای

معرف‌های اعتماد نهادی (سطح میانه)

- اعتماد خانواده به مدرسه

- اعتماد خانواده به بخش مدنی مردمی (مثل خیریه محله، صندوق قرض الحسنه، هیئت -

های مذهبی)

- اعتماد خانواده به بخش خصوصی (بازار، بانک، شرکت‌های خصوصی)

- اعتماد خانواده به سازمان‌های دولتی (قوه قضاییه، مقننه، مجریه)

معرف‌های اعتماد تعمیم یافته (سطح کلان)

- اعتماد خانواده به همشهری‌ها

- اعتماد خانواده به غریبه‌ها

- اعتماد خانواده به هموطنان

در سنجش شاخص اعتماد اجتماعی خانواده (به صورت کلی)، پس از محاسبه مجموع نمرات

پاسخگو در سؤال شماره یک تا نوزده، میزان اعتماد اجتماعی خانواده در یکی از سه سطح این طیف

قرار می‌گیرد: ۱۹.....۵۰.....۸۲.....۱۱۴

▪ کسب نمره ۱۹ الی ۵۰ از مجموع نمرات مبین اعتماد اجتماعی «کم» خانواده است.

▪ کسب نمره ۵۰ الی ۸۲ از مجموع نمرات مبین اعتماد اجتماعی «متوسط» خانواده است.

▪ کسب نمره ۸۲ الی ۱۱۴ از مجموع نمرات مبین اعتماد اجتماعی «زیاد» خانواده است. به همین ترتیب برای سنجش اعتماد اجتماعی فردی، مجموع نمرات پاسخگو در گویۀ شماره ۱ الی ۱۲ محاسبه می‌شود و در یکی از سه سطح این طیف قرار می‌گیرد:

۱۲.....۳۲.....۵۲.....۷۲

▪ کسب نمره ۱۲ الی ۳۲ از مجموع نمرات مبین اعتماد اجتماعی فردی «کم» است.  
▪ کسب نمره ۳۲ الی ۵۲ از مجموع نمرات مبین اعتماد اجتماعی فردی «متوسط» است.  
▪ کسب نمره ۵۲ الی ۷۲ از مجموع نمرات مبین اعتماد اجتماعی فردی «زیاد» است.  
پس از محاسبۀ مجموع نمرات پاسخگو در گویه شماره ۱۳ الی ۱۶ از سؤال پانزده، نمرۀ اعتماد نهادی در یکی از سه سطح این طیف قرار می‌گیرد: ۴.....۱۰.....۱۷.....۲۴

▪ کسب نمره ۴ الی ۱۰ از مجموع نمرات مبین اعتماد نهادی «کم» است.  
▪ کسب نمره ۱۰ الی ۱۷ از مجموع نمرات مبین اعتماد نهادی «متوسط» است.  
▪ کسب نمره ۱۷ الی ۲۴ از مجموع نمرات مبین اعتماد نهادی «زیاد» است.  
با محاسبه مجموع نمرات پاسخگو در گویه شماره ۱۷ الی ۱۹، نمره اعتماد تعمیم یافته در یکی از سه سطح این طیف قرار می‌گیرد: ۳.....۸.....۱۳.....۱۸

▪ کسب نمره ۳ الی ۸ از مجموع نمرات مبین اعتماد تعمیم یافته «کم» است.  
▪ کسب نمره ۸ الی ۱۳ از مجموع نمرات مبین اعتماد تعمیم یافته «متوسط» است.  
▪ کسب نمره ۱۳ الی ۱۸ از مجموع نمرات مبین اعتماد تعمیم یافته «زیاد» است.

## روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی، از آماره‌های توصیفی (جدول فراوانی و شاخص پراکندگی) و آماره‌های استنباطی (آزمون کای اسکوار و ...) استفاده شد و کلیۀ عملیات اجرایی پردازش داده‌ها با استفاده از نرم افزار رایانه‌ای spss اجرا شده است.

## یافته‌های تحقیق

در بخش توصیف یافته‌ها ابتدا به متغیرهای زمینه‌ای و ویژگی‌های جمعیت نمونه می‌پردازیم، سپس متغیر وابسته و بعد متغیرهای مستقل را توصیف می‌کنیم.

## الف. توصیف ویژگی‌های زمینه‌ای جمعیت نمونه

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد وضع فرار بر حسب طبقات سنی پاسخگویان

دختران غیر فراری		دختران فراری		وضعیت فرار طبقات سنی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۰	۱۵	۳۰	۱۵	۱۰-۱۵
۴۶	۲۳	۴۶	۲۳	۱۵-۲۰
۱۰	۵	۱۰	۵	۲۰-۲۵
۱۴	۷	۱۴	۷	۲۵-۳۰
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع

همان طور که در جدول آمده است، درصد و فراوانی هر یک از طبقات سنی در دو گروه دختران فراری و دختران غیر فراری یکسان است. زیرا متغیر سن براساس هم‌تاسازی دو گروه مورد نظر انتخاب شده است. بنابراین محقق پس از تکمیل پرسشنامه دختران فراری در هر سنی، پرسشنامه گروه دختران غیرفراری همان سن را تکمیل کرده است. در این تحقیق سن پاسخگو با طرح سؤالی باز مشخص شده است. دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۱ تا ۳۰ سال است که در چهار دامنه سنی طبقه بندی شده است. ۲۳ نفر از پاسخگویان معادل با ۴۶ درصد نمونه‌ها در دامنه سنی ۱۵-۲۰ سال، ۱۵ نفر برابر با ۳۰ درصد در دامنه سنی ۱۰-۱۵ سال، ۷ نفر یعنی ۱۴ درصد پاسخگویان در دامنه سنی ۲۵-۳۰ سال و ۵ نفر معادل با ۱۰ درصد پاسخگویان نیز در طبقه سنی ۲۰-۲۵ سال قرار گرفتند (جدول شماره ۱-۱)

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد وضع فرار بر حسب طبقات درآمدی (بر حسب تومان)

دختران غیر فراری		دختران فراری		وضعیت فرار طبقات درآمدی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۰	۳۵	۶۴	۳۲	۵۰۰۰۰-۰
۲۸	۱۴	۲۶	۱۳	۱۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰
۲	۱	۲	۱	۱۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰
۱۰۰	۵۰	۹۲	۴۶	جمع

متغیر درآمد نیز همانند متغیر سن با توجه هم‌تاسازی گروه مورد مطالعه (دختران فراری) و گروه مقایسه (دختران غیرفراری) انتخاب شده است. بنابراین محقق تلاش کرده است مشابهت اقتصادی

را در انتخاب نمونه‌های تحقیق رعایت کند. در نتیجه، فراوانی طبقات به یکدیگر بسیار نزدیک است. درآمد خانواده با سؤالی باز پرسیده شد و سپس پاسخ‌ها در سه طبقه پایین، متوسط و بالا طبقه بندی شدند. میزان درآمد ۳۲ نفر معادل ۶۴ درصد پاسخگویان در دامنه ۵۰۰۰۰۰- قرار دارد؛ ۱۳ نفر یعنی ۲۶ درصد پاسخگویان نیز به لحاظ درآمد در دامنه ۵۰۰۰۰۰ - ۱۰۰۰۰۰۰ قرار می‌گیرند، یک نفر از پاسخگویان برابر با دو درصد آنها نیز از نظر درآمد در دامنه ۱۰۰۰۰۰۰ - ۱۵۰۰۰۰۰ قرار دارد. بنابراین بیش از نیمی از پاسخگویان معادل «۶۴ درصد» جمعیت نمونه به لحاظ اقتصادی در طبقه پایین قرار دارند. یک چهارم دیگر یعنی ۲۶ درصد پاسخگویان به لحاظ اقتصادی در طبقه متوسط قرار دارند (جدول شماره ۲).

### فرضیه اصلی: بین اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران رابطه وجود دارد.

اعتماد اجتماعی در دو بخش بررسی شد: الف- اعتماد اجتماعی (به صورت کلی) ب- اعتماد اجتماعی در سطح فردی (خرد)، نهادی (میانه) و تعمیم یافته (کلان).

### الف) بین اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و وضع فرار

اعتماد اجتماعی	دختران فراری		دختران غیر فراری	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۳۷	۷۴	۷	۱۴
متوسط	۱۳	۲۶	۴۳	۸۶
جمع	۵۰	۱۰۰	۵۰	۱۰۰

$$X^2 = 36,526 \quad df = 1 \quad sig = 0,000$$

براساس اطلاعات جدول شماره ۳، سه چهارم دختران فراری (۷۴ درصد) در مقایسه با ۱۴ درصد دختران غیرفراری اعتماد اجتماعی خانواده خود را «کم» و ۲۶ درصد دختران فراری نسبت به ۸۶ درصد دختران غیرفراری، اعتماد اجتماعی خانواده خود را «متوسط» ارزیابی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که بین اعتماد اجتماعی خانواده و فرار دختران رابطه‌ای از نوع معکوس وجود دارد. این رابطه به کمک آزمون کای اسکوار مورد آزمون قرار گرفت و حاصل آن به صورت زیر است:

مقدار کی دو برابر با ۳۶/۵۲۶، در درجه آزادی ۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. بنابراین رابطه بین اعتماد اجتماعی و فرار دختران با احتمال ۹۹ درصد معنی دار است. یعنی فرض صفر رد و فرض یک تایید شده است.

## ب (۱) بین اعتماد فردی و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: بررسی رابطه اعتماد فردی و وضع فرار (سطح فردی)

دختران فراری		دختران غیر فراری		اعتماد فردی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۶	۳۸	۴	۸	کم
۲۲	۱۱	۳۱	۶۲	متوسط
۲	۱	۱۵	۳۰	زیاد
۱۰۰	۵۰	۵۰	۱۰۰	جمع

$$\text{sig} = 0.000 \quad \text{df} = 2 \quad \chi^2 = 31.778$$

همان طور که در جدول قابل مشاهده است، اعتماد اجتماعی در سطح فردی، در ۷۶ درصد دختران فراری نسبت به ۸ درصد دختران غیرفراری کم، در ۲۲ درصد دختران فراری و ۶۲ درصد دختران غیرفراری متوسط و در ۲ درصد دختران فراری و ۳۰ درصد دختران غیر فراری زیاد است. به نظر می‌رسد که رابطه‌ای معکوس بین این دو متغیر وجود دارد. لذا به آزمون فرضیه پرداخته‌ایم:

نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که مقدار کی دو  $31/778$  است و این رابطه با سطح معناداری  $0/000$  با احتمال ۹۹ درصد معنادار است. به عبارت دیگر فرض صفر تحقیق رد شده و فرض یک معنادار است. یعنی بین میزان اعتماد فردی و فرار دختران از منزل رابطه معناداری وجود دارد.

## ب (۲) بین اعتماد نهادی و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: بررسی رابطه اعتماد نهادی و وضع فرار

دختران فراری		دختران غیر فراری		رابطه اعتماد نهادی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۶	۱۶	۵۲	۸	کم
۱۹	۶۴	۳۹	۳۲	متوسط
۵	۲۰	۱۰	۱۰	زیاد
۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	جمع

$$\chi^2 = 10.241 \quad \text{df} = 2 \quad \text{sig} = 0.006$$

براساس داده‌های جدول شماره ۵ به لحاظ اعتماد اجتماعی نهادی، ۵۲ درصد دختران فراری نسبت به ۱۶ درصد دختران غیرفراری، اعتماد نهادی خانواده خود را کم، ۳۹ درصد دختران فراری در

مقایسه با ۶۴ درصد دختران غیرفراری، اعتماد نهادی خانواده خود را متوسط و ۱۰ درصد دختران فراری در مقابل ۲۰ درصد دختران غیرفراری، اعتماد نهادی خانواده خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند.

برای بررسی این رابطه از آزمون کای اسکوار استفاده شد. مقدار کی دو  $10/241$  است و این رابطه در سطح معناداری  $0/006$  با احتمال ۹۹ درصد معنادار است. یعنی بین اعتماد اجتماعی نهادی و فرار دختران از منزل رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر فرض صفر تحقیق رد و فرض یک تایید شده است. فرض صفر: بین دو متغیر اعتماد اجتماعی نهادی خانواده و فرار دختران رابطه معناداری وجود ندارد.

فرض یک: بین دو متغیر اعتماد اجتماعی نهادی خانواده و فرار دختران رابطه معناداری وجود دارد.

### ب) بین اعتماد تعمیم یافته و فرار دختران رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶: بررسی رابطه اعتماد تعمیم یافته و وضع فرار

دختران غیر فراری		دختران فراری		اعتماد اجتماعی تعمیم یافته
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۲	۳۶	۹۶	۴۸	کم
۲۸	۱۴	۴	۲	متوسط
۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	جمع
$X_2=10,71$		$df=1$		$sig=0.000$

همان طور که قابل ملاحظه است، ۹۶ درصد دختران فراری نسبت به ۷۲ درصد دختران غیر فراری اعتماد تعمیم یافته خانواده خود را «کم»، ۴ درصد دختران فراری در مقابل ۲۸ درصد دختران غیرفراری، اعتماد تعمیم یافته خانواده خود را «متوسط» و دو درصد دختران فراری و دختران غیرفراری اعتماد تعمیم یافته خانواده خود را «زیاد» ارزیابی کرده‌اند. برای بررسی آماری فرضیه از آزمون کای اسکوار استفاده کردیم که نتایج آن به شرح زیر است:

مقدار کی دو  $10/71$ ، در درجه آزادی ۱ و سطح معناداری  $0/001$  است. طبق نتایج می‌توان گفت با احتمال ۹۹ درصد رابطه بین اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و فرار دختران از منزل معنادار است. به عبارت دیگر فرض صفر تحقیق رد و فرض یک تایید می‌شود.

فرض صفر: بین دو متغیر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته خانواده و فرار دختران رابطه معناداری وجود ندارد.

فرض یک: بین دو متغیر اعتماد اجتماعی تعمیم یافته خانواده و فرار دختران رابطه معناداری وجود

دارد.

## نتیجه گیری

همان طور که بیان شد، اعتماد اجتماعی در سه سطح سنجیده می‌شود. شاخص اعتماد اجتماعی در سطح فردی در زمره سرمایه اجتماعی درون گروهی یا قدیم قرار می‌گیرد. اعتماد میان اعضای خانواده را دختران فراری در مقایسه با دختران غیرفراری پایین ارزیابی کرده‌اند و از این جهت اختلاف عمیقی میان این دو گروه وجود دارد. در شاخص اعتماد اجتماعی نهادی نیز اختلاف چشمگیری میان دو گروه وجود دارد. داده‌های موجود بیانگر این هستند که اعتماد به نهادهای جامعه در خانواده دختران فراری ضعیف و در دختران غیرفراری متوسط است و درصد کمی از هر دو گروه دارای اعتماد نهادی بالا هستند. می‌توان این گونه استدلال کرد که سرمایه اجتماعی نهادی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی جدید، در خانواده‌ها از سطح متوسط بالاتر نرفته است. از لحاظ اعتماد اجتماعی تعمیم یافته، به ترتیب ۹۶ و ۷۲ درصد دختران فراری و دختران غیرفراری اعتماد تعمیم یافته خانواده خود را کم، ۲ و ۲۶ درصد دختران فراری و غیر فراری اعتماد تعمیم یافته خانواده خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند و در هر گروه تنها دو درصد اعتماد تعمیم یافته خانواده خود را در سطح زیاد ارزیابی کرده‌اند. بنابراین در مورد شاخص اعتماد تعمیم یافته که از شاخص‌های سرمایه اجتماعی جدید است، می‌توان استدلال کرد که سطح این اعتماد در بین خانواده‌ها پایین است و به سطح شاخص‌های سرمایه اجتماعی قدیم یا درون گروهی نمی‌رسد.

نتیجه آزمون بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و فرار دختران بیانگر وجود رابطه در سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. بنابراین رابطه بین اعتماد اجتماعی و فرار دختران با احتمال ۹۹ درصد معنادار است. نتیجه آزمون این فرضیه تاییدی است بر نظر کاکس مبنی بر اینکه عامل اعتماد یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی است و اگر وجود داشته باشد، روابط اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و اجتماعات مؤثرتر خواهد بود، اگر هم وجود نداشته باشد، مسائل اجتماعی افزایش خواهد یافت.

در نتیجه می‌توان این طور استنباط کرد که زوال اعتماد اجتماعی به عنوان مهم‌ترین ارکان سرمایه اجتماعی، سبب بروز مسائل اجتماعی فراوان در خانواده و جامعه می‌شود، فرار دختران یکی از همین مسائل است. در نهایت می‌توان گفت که اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم جامعه شناختی روابط اجتماعی، بر وقوع فرار دختران مؤثر است. بنابراین فرار دختران تنها یک تصمیم فردی نیست و محصول حیات اجتماعی و مناسبات اجتماعی درونی و بیرونی خانواده است.

## پیشنهادات

▪ عضویت خانواده‌ها در شبکه‌های اجتماعی با هدف افزایش اعتماد نهادی و تعمیم یافته



- افزایش نهادهای مدنی (انجمن‌های مردمی) غیر وابسته به دولت با هدف افزایش اعتماد.
- بالابردن اطلاعات درباره تفاوت‌های بین نسلی با هدف افزایش اعتماد فردی.
- حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی با تجربه در مدارس دخترانه تا در زمان بروز مشکلات در روابط خانواده‌ها و دختران به کمک آنها بشتابند.
- آماده سازی فکری خانواده‌ها با کمک مددکاران اجتماعی برای تحویل گرفتن دختران از بهزیستی (دختر فراری). اگر جلسات مشاوره گروهی تشکیل شود، خانواده‌ها در جریان این جلسه‌ها درمی یابند که خانواده‌های زیادی با این مشکل مواجه‌اند و در نتیجه ارتباط مناسب‌تری با فرزند خود برقرار می‌کنند (آقابخشی).
- ساختن مکان‌های موقت شبانه روزی برای دختران و زنان تا در زمان بروز مشکل به صورت اختیاری به آنجا مراجعه کنند و از سرپناه و غذای مناسب برخوردار شوند.

Archive of SID

## منابع فارسی

- آقابخشی، ح. ال. (۱۳۷۹)، **اعتیاد و آسیب شناسی خانواده**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- الوانی، س. م؛ سیدنقوی، م. ع. (۱۳۸۱)، **سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها**، فصلنامه *مطالعات مدیریت*. شماره ۳۳ و ۳۴ بهار و تابستان.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۰)، **اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن**، فصلنامه *نمایه پژوهش*، شماره ۱۸، سال پنجم، صص: ۴۳-۱۰.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰)، **دموکراسی و سنتهای مدنی: تجربه ایتالیا و درسهایی برای کشورهای در حال گذار** (ترجمه محمد تقی دلفروز)، تهران؛ دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، به کوشش کیان تاجبخش، (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران: نشر شیرازه.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴)، **کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی**، مجموعه *مقاله‌های سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی*، زیر نظر دکتر مریم شریفیان ثانی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- شادی طلب، ژ و دیگران. (۱۳۸۷)، **فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی**. فصلنامه *علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۳۵-۵۵.
- شریفیان ثانی، م. (۱۳۸۰)، **سرمایه اجتماعی: مفاهیم و چارچوب‌های نظری**، فصلنامه *علمی و پژوهشی رفاه*، سال ۱؛ شماره ۲.
- صمدی راد، ا. (۱۳۸۱)، **بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه**، خلاصه مقالات *اولین همایش آسیب‌های اجتماعی*، تهران، نشر صفوی
- طهرانی زاده، م؛ رسول زاده طباطبایی، ک. و آزادفلاح، پ. (۱۳۸۴)، **بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی**، فصلنامه *علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹.
- عبدلهی، م؛ موسوی، م. ط. (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار**، فصلنامه *علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال

- ششم، شماره ۲۵.
- محسنی تیریزی، ع (۱۳۸۰)، بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روانشناختی اجتماعی، فصل نامه نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره هجده، صص: ۴-۱۰
- محمدی، م. ع. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

#### منابع انگلیسی

- Putnam, R. D. (2000). **Bowling alone: The collapse and revival of American community**. New York: Simon & Schuster.
- Herreros, fraccisco(2004). **Book:why trust?p:7**